

برنامه ای که به پیوست تقدیم میگردد قصد دارد ضمن متذکر داشتن هر یک از ما نسبت به عظمت و شکوه وقایع تاریخی، این حقیقت را نیز بیان نماید که "گذشته آینه آینده است"

بیت العدل اعظم الهی در بیانی در خصوص نقش و کارکرد تاریخ می فرمایند:

"تاریخ وسیله ای است بسیار نیرومند که آنچه در گذشته واقع گشته تصویر می کند و پرتوئی بر زمان آینده می افکند و صفحه ضمیر آدمیان را از قهرمانان و مقدّسین و شهیدان پر می کند و در هر خواننده ای استعدادهای نهفته در وجودش را چنان بیدار می کند که تصوّرش را هم نمی کرده است. تاریخ به جهان و به تجارب انسانی معنی می دهد و الهام می بخشد، تسلی می دهد و سبب روشنی اندیشه می شود و حیات را غنی و بارور می نماید. در کتاب های بی شمار ادبیّات و اساطیری که میراث بشر است دست تاریخ را می توان دید که سیر تمدّن را شکل و صورت داده است. "

قرن انوار ص ۵۹

حال فرصت مغتنمی است که با توجه به لزوم برنامه ریزی برای جشنهای پیش رو به مناسبت دویستمین سال تولد حضرت اعلی، برگهای تاریخ را ورق زنیم و خصلتهای روحانی مؤمنین اولیه را به یاد آوریم تا به فرموده بیت العدل اعظم الهی:

"باشد که نمونه و سرمشق آن دلیران جانفشان، در طی دورانی که در پیش است به جمع مؤمنین شهادت بخشد، به خصوص به جوانان که بار دیگر به پیشگامی در نهضتی فراخوانده شده اند که هدفش تقلیب عالم است."

بدیهی است این برنامه با همراهی شما عزیزان و نقل وقایع و رویدادهای بیشتر و تعمق بر خصلتهایی مانند ایثار و شجاعت و شهادت و فداکاری در انتشار امر الهی، از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد.

جانتان خوش باد

بیت العدل اعظم الہی می فرمایند:

"شرح فداکاری‌های مؤمنین اولیہ الہام بخش و مشوق یارانی است کہ بہ پاسخگویی بہ نیازهای امروز امر مبارک مشغولند. روایت این وقایع بہ جمیع احبّا کمک می کند تا دریابند کہ با قیام بہ خدماتی کہ مورد نیاز این زمان است، در واقع از خصایص نیک پیشینیان روحانی خویش پیروی می کنند."

پیام ۱ ژوئن ۲۰۱۸

عنوان: گذشته آینه آینده است

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- قسمتی از کتاب ایقان درباره مؤمنین ظهور

۴- نصوص مبارکہ حضرت بہاللہ

قسمت اداری

۵- چگونه مومنین اولیہ بیان قیام نمودند

۶- مردان دلاوری مانند متقدمین و موسسین امر لازم

۷- بخشی از پیام بیت العدل اعظم ۲۰۱۸

۸- حضرت طاہرہ

۹- ملاحسین بشرویه

۱۰- جناب قدوس

۱۱- شور و مشورت:

چگونه یادآوری حیات پیروان دلاور حضرت باب می تواند در طی دورانی کہ در پیش است بہ جمع مؤمنین شہامت بخشد؟

۱۲- برنامه نونہالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳- الفت و پذیرائی

۱۴- مناجات خاتمه (بہ انتخاب جمع)

۱- مناجات شروع

قَلْبًا طَاهِرًا فَاخْلُقْ فِيَّ يَا إِلَهِي. سِرًّا سَاكِنًا، جَدِّدْ فِيَّ يَا مُنَائِي. وَ بِرُوحِ الْقُوَّةِ تَبَيَّنِي عَلَى أَمْرِكَ يَا مَحْبُوبِي وَ بِنُورِ الْعِظَمَةِ فَاشْهِدْنِي عَلَى صِرَاطِكَ يَا رَجَائِي وَ بِسُلْطَانِ الرَّفْعَةِ إِلَى سَمَاءِ قُدْسِكَ عَزِّجْنِي يَا أَوْلَى وَ بِأَرْيَاحِ الصَّمَدِيَّةِ فَابْهَجْنِي يَا آخِرِي وَ بِنَعَمَاتِ الْإِزْلِيَّةِ فَاسْتَرْحِنِي يَا مُؤْنَسِي وَ بِغِنَاءِ طَلْعَتِكَ الْقَدِيمَةِ نَجِّنِي عَن دُونِكَ يَا سَيِّدِي وَ بِظُهُورِ كَيْنُونَتِكَ الدَّائِمَةِ بَشِّرْنِي يَا ظَاهِرٌ فَوْقَ ظَاهِرِي وَ الْبَاطِنُ دُونَ بَاطِنِي

ادعیه حضرت محبوب ص ۵۳

۲- مناجات دوم

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند بیهمتا این نفوس را سرا پا نورانی و قلوبشان را رحمانی کن و جانشان را سبحانی نما تا در جمیع مراتب به آنچه لایق این یوم عظیم است قیام نمایند و موفق به رضای تو شوند . ع ع

مجموعه مناجاتها حضرت عبدالبها ص ۴۴۴

۳- قسمتی از کتاب ایقان درباره مؤمنین ظهور

و از جمله ادله بر اثبات این امر آنکه در هر عهد و عصر که غیب هویت در هیکل بشریّه ظاهر می شد بعضی از مردمی که معروف نبودند و علاقه به دنیا و جهتی نداشته‌اند به ضیاء شمس نبوت مستضیء و به انوارِ قمر هدایت مُهتدی می شدند و به لقاءالله فائز می گشتند. لهذا این بود که علمای عصر و اغنیای عهد، استهزاء می نمودند... و مقصودشان این بوده که علماء و اغنیاء و معارف قوم به شما ایمان نیاوردند ... و اما در این ظهور اظهر و سلطنت عظمی، جمعی از علمای راشدین و فضیلتی کاملین و فقهای بالغین از کأس قرب و وصال مرزوق شدند و به عنایت عظمی فائز گشتند و از کون و امکان در سبیل جانان گذشتند. بعضی از اسامی آنها ذکر می شود که شاید سبب استقامت انفس مضطرّبه و نفوس غیر مطمئنه شود. از آن جمله جناب ملا حسین است که محلّ اشراق شمس ظهور شدند... و جناب آقا سید یحیی که وحید عصر و فرید زمان خود بودند و ملا محمد علی زنجانی و ملا علی بسطامی و ملا سعید بارفروشی و ملا نعمه الله مازندرانی و ملا یوسف اردبیلی و ملا مهدی خوئی و آقا سید حسین ترشیزی و ملا مهدی کندی و برادر او ملا باقر و ملا عبد الخالق یزدی و ملا علی برقانی و امثال آنها که قریب چهارصد نفر بودند که اسامی جمیع در لوح محفوظ الهی ثبت شده. همه اینها مُهتدی و مُقَرَّر و مُذَعِن گشتند برای آن شمس ظهور به قسمی که اکثری از مال و عیال گذشتند و به رضای ذی الجلال پیوستند. و از سر جان برای جانان برخاستند و انفاق نمودند به جمیع آنچه مرزوق گشته بودند... و دلیل بر صدق قولشان فعلشان بس... حال انصاف دهید که شهادت اینها مقبول و مسموع است که قولشان و فعلشان موافق و ظاهرشان و

باطنشان مطابق ... و یا شهادت این مُعرضین که بجز هوای نفس، نَفّسی بر نیارند و از قفس ظنونات باطله نجاتی نیافته‌اند؟ ... آیا در هیچ شرع و ملّتی جایز است که به اعراض این نفوس محدوده متمسک شوند و از اقبال و تصدیق نفوسی که از جان و مال و اسم و رسم و ننگ و نام در رضای حقّ گذشته‌اند اغفال نمایند؟

کتاب ایقان صص ۱۴۷-۱۵۰

۴-نصوص مبارکه حضرت به‌الله

جمال مبارک می فرمایند: اگر مردمان ارض به شنیدن نداء الهی فائز شوند کل به افق اعلیٰ توجّه نمایند و از رَحیق ابهی بیاشامند قسم به بحر علم الهی که اگر به گوش حقیقی نغمه ای از نغمات طیور عَرش را ادراک کنند، جان در ره دوست ایثار نمایند و از محلّ فدا زنده برنگردند چنانچه شاربان کوثر معانی برنگشتند و آنچه بود و نبود از مال و جان و اهل، در سبیل آن شمس حقیقت دادند. فَنِعَمَ اجْرَ الْعَامِلِينَ. اگر نفسی قطره ای از بحر محبّت بیاشامد و یا رَشحه ای از بحر انقطاع فائز شود جمیع عالم را شبه یک کفّ تراب مشاهده نماید و آنچه در آسمانها و زمین است او را از سبیل دوست منع ننماید .

آثار قلم اعلیٰ ج ۷ ص ۲۲۳

و نیز می فرمایند:

"و از جمله دلائل ظهور، غلبه و قدرت و احاطه که بنفسه از آن مُظهر وجود و مَظْهر معبود در اکناف واقطار عالم ظاهر شد. چنانچه آن جمال ازلی در شیراز در سنه سِتّین ظاهر شدند و کشف غِطا فرمودند. مع ذلک به اندک زمانی آثار غلبه و قدرت و سلطنت و اقتدار از آن جوهرُ الجواهر و بحرُ البُحُور در جمیع بلاد ظاهر شد. ... و چه مقدار قلوب صافیة رقیقه که از آن شمس ازلیّه حکایت نمودند... با اینکه در هر بَلَد و مدینه جمیع علما و اعزّه بر منع و ردّ ایشان برخاستند و کمر غِلّ و حسد و ظلم بر دفعشان بستند. ... و به قسمی این وجودات را تقلیب نمودند و تصرّف فرمودند که بجز اراده‌اش مرادی نجستند و بجز امرش امری نگزیدند، رضا به رضایش دادند و دل به خیالش بستند. حال قدری تفکّر نمائید، آیا چنین تصرّف و احاطه از احدی در امکان ظاهر شده؟ و جمیع این قلوب منزّهه و نفوس مقدّسه به کمال رضا در موارد قضا شتافتند و در مواقع شکایت، جز شُکر از ایشان ظاهر نه و در موطن بلا، جز رضا از ایشان مشهود نه... گویا صبر در عالم کون از اصطبارشان ظاهر شد و وفا در ارکان عالم از فعلشان موجود گشت

کتاب ایقان صص ۱۵۵-۱۵۷

۵- چگونه مومنین اولیه بیان قیام نمودند

این ارواح مُجرده که چون نجوم بازغه، حول آن مرکز انوار سیّار و با نفس مقدّس حضرت باب واحد اوّل دور بیان را تشکیل می دادند، پس از استماع نصایح مبارک با عزمی راسخ و قلبی مطمئن و روحی سرشار و تصمیمی خلل ناپذیر در تنفیذ نوایای مقدّسه و انجام مأموریت عظیم خویش قیام نمودند و با ثبات و استقامتی بی نظیر در سراسر ایران منتشر گشتند و در مقابل سیل حوادث و مخالفت دشمنان که در قلع و قمع بایبان صف آرائی کرده بودند مقاومت کردند و در اثر افعال و اعمال عاشقانه خویش صفحات درخشانی در تاریخ امر الله مفتح و شور و نشور و هنگامه و آشوبی بلند نمودند که زلزله در اقطار عالم افکند و آوازه و ولوله اش در عوالم مهمّهء بلاد غرب اروپا طنین انداز گردید.

کتاب قرن بدیع ص ۴۹

۶- مردان دلاوری مانند متقدّمین و موسّسین امر لازم

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

مردان دلاور لازم که مانند متقدّمین و موسّسین این امر نازنین در آن سرزمین منقطعاً عن العالمین جان بر کف گذاشته به کمال تقدیس و تنزیه و به همّتی بدیع و عزمی منیع و استقامت و شهامتی عجیب در اکناف و اطراف آن صُقع جلیل مبعوث گردند و منتشر شوند... در بین هموطنان خویش به قوّه اسم اعظم چنان صُولت و شجاعتی نمایند و حکمت و متانتی ابراز فرمایند و ثبات و استقامتی اثبات کنند و روح تعاون و تضامنی در جامعه ظاهر نمایند و روائع عطریّه عشق و خلوص و عبودیت صرفه محضه حقیقه را چنان منتشر سازند که کل شهادت دهند که از پیشینیان پیشی گرفته لیاقت و استعداد کامل از برای استفاضه از اشعه تائید که در این عصر فیروز از مکنن اعلی و عرش بها به اشدّ اشراق بر عالمیان ساطع است اکتساب نموده اند

توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله (۱۹۲۷-۱۹۳۹) ص ۲۲۲

۷- بخشی از پیام بیت العدل اعظم ۲۰۱۸

ماه‌های آینده نیز فرصتی است برای یادآوری حیات پیروان دلاور حضرت باب، قهرمانان دلیری که ایمان خود را با فداکاری‌های بی نظیری ابراز داشتند، فداکاری‌هایی که برای همیشه زینت بخش صفحات تاریخ این امر اعظم خواهد بود. خصایص شجاعت، تقدّس، انقطاع از ما سوی الله و تعهد آن ارواح پاک اثرات عمیقی بر قلب هر نفسی می‌گذارد که شرح فتوحاتشان را بشنود. بسیاری از آن شیردلان که تأثیری جاودانه در تاریخ از خود به جای گذاشتند در عنفوان جوانی بودند. باشد که نمونه و سرمشق آن دلیران جان‌فشان، در طیّ دورانی که در پیش است به جمع مؤمنین شهامت بخشد، به خصوص به جوانان که بار دیگر به پیشگامی در نهضتی فراخوانده شده‌اند که هدفش تقلیب عالم است.

پس این است امید روشن و وّطید این مشتاقان. شایسته است که در طیّ شش دور فعالیت بین این عید رضوان و سالگرد دویستیمین سال میلاد حضرت نقطه اولی، و برآستی در مدّت سه سالی که از نقشه کنونی باقی مانده، همان عشق عظیم و پرشوری که پیروان

حضرت ربّ اعلی را به انتشار نور الهی ترغیب نمود الهام بخش شما برای اقداماتی بزرگ باشد. در آستان مقدّس ملتسمیم که همگی مشمول تأییدات ملکوتی گردید.

۸- حضرت طاهره

حضرت طاهره در اوائل حال از وطن خود قزوین بجانب کربلا روان شدند وقتی به کربلا رسیدند که سیّد کاظم رشتی وفات کرده بود در همانجا ماندند و منتظر بودند ببینند ندای حضرت موعود که سیّد کاظم بقرّب ظهورش بشارت داده بود از کجا بلند میشود... مُراسله‌ای بوسیله شوهر همشیره خود تقدیم کردند و هیکل مبارک ایشان را در جرگهء حروف حیّ منسلک فرمودند عنایتی که از طرف حضرت باب به طاهره متوجّه شده بود که بدون تشرفّ بحضور مبارک او را جزو مؤمنین اوّلّیه محسوب داشتند، بر محبّت و اخلاص و شجاعتش بیفزود و با نهایت انقطاع بر نشر تعالیم الهی قیام نمود. اعمال ناهنجار شوهر و خویشاوندان خود را مورد انتقاد قرار داد. قیام حضرت طاهره سبب شد که در عادات و اخلاق نفوس تغییر شدیدی حاصل گشت و انقلابی در افکار پدیدار شد هر دم بر اشتعال و محبّتش میافزود و از مصدر فیض، فیوضات لانهایه کسب مینمود. سر تا پا شجاعت و غیرت بود دم بدم بر جهد و کوشش می افزود و از عظمت امر الله آگاه بود و به یقین مُبین میدانست که این ندا جهان گیر خواهد گشت و جمیع اهل عالم در ظلّ خیمه آن وارد خواهند شد هر کس در کربلا بحضور طاهره می رسید از فصاحت گفتار و بلاغت بیانش مُنجذب و مسحور میگشت، چاره‌ای جز تصدیق نداشت و نمی توانست اثر آن لطف بیان را انکار نماید همهء مردم شهادت میدادند که طاهره دارای اخلاق کامله و صفات سامیه و شجاعتی عجیب و بیانی سحر آساست. از طایفهء نسوان اوّل کسیکه در کربلا بواسطهء حضرت طاهره بامر مبارک مؤمن شد، زوجهء حاجی سیّد کاظم رشتی بود مشاّرّ الیها مولدش شیراز بود و مطابق بیان شیخ سلطان نسبت بحضرت طاهره نهایت اخلاص و صمیمیت داشت... سایر زنها اعمّ از عرب یا ایرانی چون شدّت تعلق زوجهء سیّد کاظم را بحضرت طاهره میدیدند سبب شگفتی و حیرتشان میشد و بر ایقان و یقینشان میافزود.^۱

حضرت ولی مقدّس امرالله درباره جناب طاهره می فرمایند: "تا آخرین نفس و تاریکترین دقایق حیات با نهایت شوق و انجذاب به تبلیغ امر حضرت رب الارباب مشغول و مألوف بود... نظر به طلاق لسان و قوّت جنانی که داشت و همچنین در اثر انشاء رسائل و اشعار و تراجم و تفاسیر و مکاتیب که از قلم مشکینش صادر می شد انظار را جلب و افکار را متوجّه امرالله ساخت و جمّ غفیری از عرب و عجم را به امر جدید دعوت نمود... و به قوّت بیان و سحر تبیان هیئتّی را که از طرف صنّاد قوم از شیعه و سنی و یهود و نصاری در بغداد برای الزام وی به ترک تبلیغ و انتشار امرالله نزد او گسیل شده بود، مسحور و مبهور و متعجب و حیران ساخت."^۲

"طاهره در قزوین نیز از پای ننشست و با زنان مشهور در شهر دربارهء تعالیم امر به مذاکره و مباحثه نشست در نتیجه برادر شوهر و خواهر شوهرش مؤمن به امر شدند."^۳

(۱) مطالع الانوار، تلخیص تاریخ نبیل زرندی ص ۲۳۴

(۲) کتاب قرن بدیع ص ۱۷۲

(۳) حروف حی ص ۱۰۹

ملاحسین در مشهد مشغول تبلیغ دیانت باری و راهنمایی علماء و نفوس مختلفه بود و در نتیجه تنها در حدود بشرویه و نواحی اطراف آن بیش از دو هزار نفر به وسیله او در ظل دیانت باری در آمده بودند. ملامحمد علی قدوس نیز از بارفروش به مشهد رفت و ملاحسین که از فضائل و کمالات و مقامات معنوی او آگاه بود مقدمش را گرامی شمرد. در همان اوقات متولیان حرم آستان قدس رضوی حاج میرزا عبدالله خویی را که از طرف حاج میرزا آغاسی به مقام تولیت حرم رسیده بود به قتل رساندند و برای لوٹ کردن خون او گناه را به گردن بابیها گذاشتند و در نتیجه یکی از آنها را گرفته مهار کردند و در کوچه و بازار گرداندند. چون بابیهای مشهد نتوانستند این خفت و خواری را تحمل کنند برای نجات دوست خود به آن گروه هجوم بردند. این اخبار... به اطلاع حمزه میرزا حشمت الدوله... رسید و او ملاحسین را احضار کرد.

ملاحسین با اجازه از قدوس به آنجا رفت وقتی شاهزاده از حقیقت امر آگاهی یافت ملاحسین را تکریم کرد و احترام گذاشت. در همان حال ملاحسین موفق به تبلیغ چند نفر از جمله میرزا عبدالله غوغا شد و سپس در موکب حشمت الدوله به مشهد مراجعت کرد.

عهد اعلی ص ۳۷۸

۱۰- جناب قدوس

چون جناب قدوس به نزدیک قلعه (شیخ طبرسی) رسیدند جناب ملاحسین با شور و شغف بسیاری با یکصد نفر از اصحاب که هر یک دو شمع در دستها داشتند به پیشباز قدوس رفتند. روشنائی شمعهها، تاریکی شب را از بین برد و طلعت قدوس در وسط جنگل که با ابهت خاصی حرکت می فرمودند، به چشم خورد. همه، اطراف اسب ایشان حلقه زده؛ با اظهار خلوص و محویت و عبودیت در حالی که شمعههای روشن را در دست داشتند، از پی ایشان روان گشتند... جناب قدوس در آن ایام صبح و شامگاه اصحاب را احضار فرموده، امر می کردند که از توقیعات حضرت باب تلاوت نمایند و خود ایشان وسط جمع قرار گرفته، به استماع توقیعات می پرداختند و گاهی هم شرح و تفسیر درباره آنها می دادند. شیخ حسن زنوزی تعریف می کند که وقتی واقعه قلعه شیخ طبرسی به حضور حضرت اعلی رسید، جمیع اصحاب و یاران را مأمور فرمودند که به قلعه بشتابند و به نصرت جناب قدوس قیام کنند. یک روز به من فرمودند که اگر من در قلعه چهریق محبوس نبودم، به نصرت جناب قدوس می شتافتم...

جناب قدوس وقتی که در منزل میرزا محمد تقی مجتهد ساری اقامت داشت، بنا بر خواهش آن مجتهد، تفسیری بر سوره توحید نگاشت و در شرح صاد صمد، سه برابر قرآن مجید مرقوم فرمود. البته تفسیر صاد صمد در ساری تمام نشد؛ بلکه تتمه آن در بحبوحه جنگ و جدال دشمن اتمام پذیرفت... حضرت ولی امرالله درباره نگارش تفسیر صاد صمد می فرمایند: «چقدر عظیم و شگفت انگیز است مراتب حکمت و وقار و متانت و اصطبار جناب قدوس و روح اطمینان و استقامتی که به مجرد ورود در پیروان

امرالله دمیدند و کاردانی و لیاقتی که از خود به مَنَصَّهُ ظهور رساندند و شور و شَعَفی که از جانب آن جمع مشتاق در استماع بیانات ایشان در تفسیر مشهور صاد صمد که هنگام صبح و شام توسط آن حضرت با لحن ملیح تلاوت می فرمودند، ابراز میگشت...»

حروف حی تألیف هوشنگ گهرریز صص ۱۲۸-۱۳۰